



## مقاله پژوهشی / تمثیل در شعر سهراب سپهری

سعیده ساکی انتظامی\*

### چکیده

هشت کتاب نام مجموعه شعرهای سهراب سپهری است، که شامل اشعار مرگ رنگ، زندگی خواب‌ها، آوار آفتاب، شرق اندوه، صدای پای آب، مسافر، حجم سبز و ماهیچ ما نگاه، است. تمثیل از جمله آرایه‌هایی است که در شعر نو و از جمله در شعر سهراب سپهری نیز خودنمایی می‌کند و یکی از مواردی است که باعث جان دار شدن و تصویرسازی در شعر می‌شود. پس از بررسی، پژوهشگر متوجه کاربرد معنای آب به مفاهیم متفاوت در شعر سپهری شد، که از دلایل ضرورت و اهمیت بررسی آن محسوب می‌شود، محقق با هدف یافتن روابط تمثیلی با موضوع آب، چشمه، برکه و گرداب به بررسی متن شعرهای سپهری پرداخته است؛ که در میان مجموعه‌ی اشعار وی تعدادی از شعرها را یافت که در آن شاعر با دیدگاه تمثیلی به آب نگریسته بود. در این پژوهش، پژوهشگر می‌خواهد بداند: آیا در شعر سهراب سپهری تمثیل به کار برده شده است؟ تمثیل‌های به کار برده شده از چه نوعی هستند؟ هدف شاعر از بهره‌گیری از تمثیل چه بوده است؟ در بررسی پیشینه‌ی این تحقیق پژوهشگر متوجه شد، با توجه به اینکه پژوهش‌های انجام شده متفاوت از پژوهش حاضر است لذا محقق به آن پرداخت. در این روند پژوهشگر به این نتایج دست یافت: کاربرد آب در شعر سهراب سپهری در مفهوم آرامش، روح و جان، آگاهی، معنویت، آسایش، نو شدن و پویایی و حرکت، ذهن و فکر، زیبایی و گذر زمان به کار برده شده است، این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و از طریق فیش برداری و به شیوه تحلیلی - توصیفی صورت گرفته است. همچنین از کتاب‌ها و مقالات دست اول برای شناخت بهتر مفهوم تمثیل و چگونگی تشخیص آن در شعر سپهری نیز بهره برده است.

واژگان کلیدی: آب، تمثیل، چشمه، سهراب سپهری، گرداب

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۲۳ تاریخ انتشار بر روی اینترنت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۶

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خرم آباد، ایران saeedeh.entezami@yahoo.com

لطفاً به این مقاله استناد کنید: ساکی انتظامی، سعیده، (۱۴۰۰) تمثیل در شعر سهراب سپهری. تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر، ۵۰(۴): ۶۵-۷۹. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.2717431.1400.13.50.3.0>



حقوق مؤلف © نویسندگان.

DOR: 20.1001.1.2717431.1400.13.50.3.0

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر / شماره پنجاه / زمستان ۱۴۰۰ / از صفحه ۶۵ - ۷۹

## مقدمه

از جمله مواردی که در شعر شاعران فارسی زبان به چشم می‌خورد تمثیل است، تمثیل یکی از آرایه‌های لطیف است که شاعران برای تصویرسازی و ملموس کردن شعر خود از آن بهره می‌گیرند و شاید بتوان گفت: بهره بردن از تمثیل یکی از سنت‌های ادبی شاعران است، و به شعر شاعران رنگ و جلا می‌بخشد و شعر آنان را دارای روح می‌کند. تمثیل وسیله‌ای است که شاعر دیدگاه خود را از لحاظ شباهت بین امور بیان می‌کند و گاه چیرگی شاعران در این باره شگفت‌انگیز است. نویسندگان کتب بلاغی تعاریف زیادی از تمثیل و شاخه‌های آن به دست داده‌اند؛ زیرا تمثیل انواع دارد و هر شاعر به فراخور حال خود از آن بهره می‌گیرد. در شعر نو، سهراب سپهری نیز با بهره‌گیری از این فن به تصویرسازی در شعر نو پرداخته است.

سهراب سپهری با استفاده از تمثیل، شعر خود را جاندار و متحرک کرده است و به وسیله‌ی آن به تصویر سازی پرداخته است، به طوریکه مخاطب با خواندن این تمثیلات و سمبل‌ها، صحنه‌هایی را در ذهن خود مجسم می‌کند بدین وسیله شعر سهراب مانند تابلوی نقاشی مجسم می‌شود. تخیل و عاطفه و تصویر سازی از اجزاء جدا نشدنی شعر سهراب سپهری هستند. عنصر تصویر سازی با کمک عاطفه و تخیل صحنه‌ای را در شعر شاعر می‌پردازد که گاه نوستالژی و غم غربت را به یاد می‌آورد. شعر سهراب گاه تابلویی نوستالژیک است که خواننده با آن همزاد پنداری می‌کند. همزاد پنداری از ویژگی‌های خاص سهراب سپهری است. عناصر شعری، مثل عاطفه نیز شعر سهراب را نوستالژیک می‌کند. ترکیب تمثیل، نوستالژی و تصویر سازی، ترکیبی خاص است که در میان شعر شاعران دیگر بی سابقه است.

تمثیل در طول قرن‌ها با توجه به عوض شدن نگاه شاعران تغییر کرده است. به طوری که نگاه شاعران کهن با نگاه شاعران شعر نو متفاوت است و این باعث تغییر و تفاوت نگاه در تمثیل و تصویر سازی در شعرها می‌شود.

گاهی تمثیل از موردی معقول و انتزاعی صورت می‌گیرد که در این صورت به، مشبه به، محسوس و مرکب نیازمندیم تا به وسیله‌ی آن معنای آنرا در یابیم. در شعر سهراب سپهری گاهی آب، سمبل و رمز است و چون بعضی بلاغیون سمبل را جدای از تمثیل ندانسته‌اند و گاه آنها را یکی دانسته‌اند محقق به آن نیز می‌پردازد. پژوهشگر در این پژوهش قصد دارد به بررسی تمثیل و انواع آن در شعر سهراب سپهری بپردازد.

## بیان مسئله

نکته‌ای که در شعر هر شاعر خودنمایی می‌کند تسلط شاعر در گویندگی و چیرگی او بر مطلب است، و چیزی جز میزان بهره‌گیری و صناعات لفظی و معنوی آنرا مشخص نمی‌کند. تمثیل به عنوان یک آرایه بلاغی در کتب بیان مطرح شده است.

تمثیل در علم بلاغت و در ادب فارسی، دارای رویکردها و کنش‌های گوناگون است. که شامل تشبیه تمثیلی، ارسال المثل، سمبل، حکایت تمثیلی و فابل، می‌شود همانطور که در اینجا نیز گفته شده است: «تمثیل در علم بلاغت و در عرصه ادب فارسی معانی و نقش گسترده‌ای دارد. به طور کلی تشبیه تمثیلی، ارسال المثل، سمبل، حکایت تمثیلی و فابل، در اصطلاح ادبی تمثیل، با هم وجاهت اشتراک دارند.» (حسینی، ۱۳۹۴: ۱۳).

گاهی تمثیل از امری معقول و انتزاعی صورت می‌گیرد که در این صورت به مشبه به، محسوس و مرکب نیازمندیم تا توضیحی برای آن باشد و مخاطب برای درک آن دچار ابهام و مشکل نشود.

«در این بیت خاقانی

اندر جزیره و محیط است گرد تو      زین سوت موج محنت وز آن سو شط بلا

اگر کلی نگاه کنیم با تمثیل مواجه هستیم، تمثیلی از حیات انسان در دنیا را نشان می‌دهد. اگر جزئی نگاه کنیم جزیره سمبل این دنیا است.» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۵۰) یا به قول میر جلال الدین کزازی «ماننده عقلی، مانسته حسی باشد» (کزازی، ۱۳۶۸: ۴۶)

تمثیل در طول قرون و اعصار با توجه به عوض شدن نگاه شاعر تغییر کرده است. به طوری که نگاه شاعران کهن با نگاه شاعران شعر نو متفاوت است و این تمثیل و تصویر سازی در شعرها را تغییر می‌دهد.

«تمثیل گاهی برای استدلال است، گاهی برای توضیح است، گاهی برای پند و اندرز دادن است و گاهی می‌خواهد پیامی را (مثلاً سیاسی و انتقادی) به صورت پنهان و غیر مستقیم منتقل کند. تمثیل در

سبک خراسانی و عراقی و هندی و شعر نو به لحاظ کنش متفاوت است.» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۴۵)

در شعر سهراب سپهری گاهی آب سمبل از روح و جان شاعر است و بعضی اهل بلاغت سمبل را از تمثیل جدا ندانسته‌اند و گاه آنها یکی دانسته‌اند. گاه برای روح انسان سمبل در نظر گرفته می‌شود مثلاً «در داستان تمثیلی شیخ صنعان در منطق الطیر عطار، شیخ، دختر ترسا، خوک بانی، قرآن سوختن،

خرقه آتش زدن، بت پرستیدن، و امثال اینها سمبل هستند مثلاً خود عطار خوک را نفس تعبیر کرده است چنان که می‌گوید:

در نهاد هر کسی صد خوک هست      خوک باید کشت یا زنار بست؟»

(شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۵۱)

تمثیل یکی از مواردی است که باعث جان دار شدن و تصویرسازی در شعر می‌شود. بررسی تمثیل در هشت کتاب سهراب سپهری با توجه به این که شعر نو است، به ما این امکان را می‌دهد که تصویرسازی در شعر سپهری را بررسی کنیم و جلوه‌های گوناگون این تفکر را دریابیم. آب در شعر سپهری در دو مفهوم مخالف یکدیگر نیز به کار رفته است. گرداب و چشمه دو نمود متفاوت از آب است که شاعر از هر دو مفهوم استفاده کرده است. چشمه با مفهوم مثبت و گرداب در مفهوم منفی به کار رفته است. کاربرد معنای آب به گونه‌های متفاوت در شعر سپهری از جمله دلایلی بود که توجه نگارنده را جلب کرد، در واقع برای درک آن باید مشبه، معقولی را در نظر گرفت که به مشبه به، مرکب محسوس تشبیه شده باشد. بدین ترتیب در توضیحاتی که خواهد آمد، بررسی تمثیل آب، در شعر سپهری موضوع اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد. در این راستا محقق دریافت، موارد متعددی از مفهوم آب و موارد مشابه همچون چشمه، رود و گرداب در شعر سپهری به کار رفته است، که به عنوان تمثیلی از آرامش یا روح شاعر یا بدبختی و فریب به کار رفته است. بدین منظور با فیش برداری و مطالعه‌ی کتاب خانه‌ای به روش تحلیلی - توصیفی داده‌ها جمع آوری شد و مورد تحلیل و توصیف قرار گرفته شد.

#### اهمیت و ضرورت تحقیق

همانطور که قبلاً نیز گفته شد تمثیل یکی از مواردی است که باعث جان دار شدن و تصویرسازی در شعر می‌شود. بررسی تمثیل در هشت کتاب سهراب سپهری با توجه به این که شعر نو است، به ما این امکان را می‌دهد که تصویرسازی در شعر سپهری را بررسی کنیم؛ علاوه بر آن می‌توانیم بدانیم که سپهری با توجه به تعریفی که از تمثیل گفته شد به کدام یک از شاخه‌های تمثیل توجه بیشتری نشان داده است. در این پژوهش، پژوهشگر متوجه کاربرد معنای تمثیلی و رمزی آب است. در شعر سپهری آب در مفهوم آرامش، روح و جان، آگاهی، معنویت، آسایش، نو شدن و پویایی و حرکت، ذهن و فکر، زیبایی و گذر زمان، به کار برده شده است لذا ضرورت دارد که این مفاهیم بررسی گردند. بدین

ترتیب در توضیحاتی که خواهد آمد به بررسی تمثیل در آب و مفاهیمی از این قبیل، مانند: برکه، چشمه، رود، و گرداب از دیدگاه سهراب سپهری خواهیم پرداخت. ناگفته نماند که گرداب نیز یکی از مفاهیم ضد و مقابل آب است، که پژوهشگر قصد دارد به بررسی آن از دیدگاه تمثیلی بپردازد.

### پرسش‌های پژوهشی

پژوهشگر، در این پژوهش می‌خواهد بداند:

- ۱- در شعر سهراب سپهری تمثیل به کار برده شده است؟
- ۲- سهراب سپهری از کدام یک از انواع تمثیل بهره برده است؟
- ۳- هدف شاعر از بهره‌گیری از تمثیل چه بوده است؟

### روش پژوهش

این تحقیق به شیوه توصیفی - تحلیلی است، و با روش کتابخانه‌ای و به شیوه فیش برداری اجرا می‌شود. پژوهشگر پس از بررسی متون و مطالب به جمع‌آوری داده‌ها و کدگذاری فیش‌ها و طبقه‌بندی داده‌ها خواهد پرداخت، و پس از بررسی داده‌ها و تحلیل آنها به نتیجه‌گیری می‌پردازد.

### پیشینه تحقیق

۱- در مقاله‌ای به عنوان نماد در اشعار سهراب سپهری مهدی شریفیان (۱۳۸۴) به بررسی نماد در اشعار سپهری پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که سپهری نسبت به دیگر شاعران معاصر خود از نماد، عمیق‌تر و فراتر استفاده کرده است. (شریفیان، ۱۳۸۴: ۱۱۳)

۲- همچنین در مقاله شهود، نماد و شعر سهراب سپهری، ناصر علیزاده و همکارش (۱۳۸۹) نیز با بررسی اشعار سهراب سپهری از دیدگاه نمادشناسی در اشعار وی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که کلیت شعر او ترسیم سمبولیک و شاعرانه‌ای از عرفان ساده و همه‌فهم بوده است که از عناصر و پدیده‌ها و واژگان به شکل متفاوت سود می‌جوید. وی در شعرش در مسیری از آشنایی زدایی معنایی، زبانی، تصویری و سمبولیک حرکت کرده است. (علیزاده، ۱۳۸۹: ۲۰۱)

با توجه به موضوع تحقیقات ذکر شده، پژوهشی که دارای موضوع مشترک با این پژوهش باشد یافت نشد.

## تعریف تمثیل

تمثیل به معنای شباهت میان دو چیز است؛ چنانچه در فرهنگ‌های لغت نیز اینچنین معنا شده است: تمثیل در لغت به معنی مثل آوردن و تشبیه کردن چیزی به چیزی است. (دهخدا، ۱۳۴۳: ۹۴۰) در اصطلاح بلاغت، تمثیل شاخه‌ای از تشبیه و استعاره است. از نظر شمس قیس رازی هم، تمثیل نوعی استعاره است. «چون شاعر خواهد به معنایی اشارتی کند لفظی چند که دلالت بر معنی دیگر کند بیاورد» (شمس قیس، ۱۳۴۷: ۳۴۰) سیروس شمیسا نیز به جنبه تشبیه بودن تمثیل اشاره می‌کند. «تمثیل حاصل یک ارتباط دوگانه بین مشبه و مشبه به است». (شمیسا، ۱۳۷۴: ۲۰۵) در تمثیل علاقه‌ی شباهت میان دو چیز وجود دارد «هرگاه در تشبیه، علاقه، شباهت میان دو جمله باشد آن را تمثیل می‌گویند». (دبیرسیاقی، ۱۳۶۶: ۲۹) و این شباهت باید از قوانینی پیروی کند. «تمثیل یعنی تشبیه معقولی به محسوس مرکب و در معنا با تشبیه تمثیلی و ارسال و مثل معمولاً یکسان و برابر است». (حسینی، ۱۳۹۴: ۱۳)

در شعر با مرغ نهران در این بند شاعر می‌گوید: «در کجا هستی نهران ای مرغ! زیر نور سبزه‌های تره. یا درون شاخه‌های شوق؟

می‌پری از روی چشم سبز یک مرداب یا که می‌شوی کنار چشمه ادراک بال و پر؟  
هر کجا هستی بگو با من» (سپهری، ۱۳۹۹: ۶۳)

شاعر ادراک و آگاهی را به بال و پر شستن در چشمه، تشبیه کرده است. ادراک و شناخت مشبه، انتزاعی و ذهنی یا معقول است که به چشمه مشبه به، محسوس مرکب تشبیه شده است. در توضیح مرکب بودن آن باید گفت چشمه در حالی که مرغ نهران در آن بال و پر می‌شوید مشبه به، محسوس و مرکب است و کسب ادراک و آگاهی مشبه، معقول و انتزاعی آن است. نکته‌ای که باید متذکر شد این است که برای این نوع تمثیل معقول بودن مشبه الزامی است. بدین معنا که: «در اصطلاح علم بیان هر چیزی است که به یکی از حواس پنج‌گانه درک نشود و وجود ذهنی داشته باشد عقلی است.» (خسروانی مجد، ۱۳۸۷: ۳۱) مانند این مورد که آگاهی و ادراک، وجود مادی ندارد. همچنین مرکب بودن مشبه به، محسوس نیز الزامی است.

شاعر در خلسه‌ای رؤیا گونه، سخن می‌گوید؛ می‌بیند که مرغی نهران که گاه در میان سبزه‌ها می‌پرد گاه در میان مرداب گاه در چشمه‌ای، که آن را چشمه‌ی ادراک و آگاهی دانسته است بال و پر می‌شوید.

و شاعر به جستجوی آن است. در این لحظه که از خود بیخود شده است، شاعر آبتنی پرنده را نوعی به آگاهی رسیدن تلقی کرده است، و تمثیل به اینگونه خواهد بود: به آگاهی و شناخت رسیدن، همانند آبتنی پرنده در میان چشمه است.

آگاهی و شناخت مشبه، معقول و انتزاعی است و آبتنی پرنده در میان چشمه مشبه به، محسوس مرکب است.

در شعر موج نوازشی‌ای گرداب

شاعر زیبایی را به گرداب تشبیه می‌کند.

گردابی که آبی تاریک و خروشان است و می‌پیچد و شاعر را با خود می‌برد و این چنین آن را توصیف می‌کند:

«نفرین به زیبایی\_ آب تاریک خروشان\_ که هست مرا

فرو پیچید و مرا برد!» (سپهری، ۱۳۷۴: ۱۹۹)

زیبایی، مشبه، معقول ذهنی است که در عالم خارج زیبایی به خودی خود، وجود ندارد و از عوارض آن در وجود افراد و اشیاء است که پی به وجود آن می‌بریم، به گردابی تاریک در حالی که می‌پیچد و شاعر را با خود می‌برد تشبیه شده است، که مشبه به، محسوس مرکب آن است. وجه شباهت میان آنها این است که، زیبایی، شاعر را مانند یک گرداب، اسیر خود کرده است. و با خود می‌کشد و می‌برد. که این زیبایی اغواگر و فریبنده تمثیلی از گرداب پیچنده است.

در شعری، با عنوان خوابی در هیاهو، آب نقطه‌ی مقابل گرداب است. گرداب مشبه به، بدبختی و بیچارگی و فریب و غم در زندگی واقع شده است. شاعر می‌گوید:

«از کودکی ما تا این نسیم: شکوفه - باران فریب برگردیم، که میان ما و گلبرگ، گرداب شکفتن است،»

(سپهری، ۱۳۷۴: ۲۰۳)

فریب مشبه، معقول و انتزاعی است که به گرداب که مانند شکوفه در برابر شاعر می‌شکفت تشبیه شده است، که مشبه به، محسوس مرکب است. بدبختی و فریب مانند گردابی از کودکی تا امروز بر سر راه شاعر مانند شکوفه می‌شکفتد و دهان باز می‌کند و بر سر راهش قرار می‌گیرد، گرداب تمثیلی از شرایط زندگی بر فریب روزگار شاعر را از دید او نشان می‌دهد.

در شعر تارا شاعر می‌گوید: «آب از سایه افسوسی پرشد.» (سپهری، ۱۳۷۴: ۲۰۶)

مفهوم آن این است دل شاعر پر از افسوس و حسرت و درد و غم‌ها شده است. دل شاعر به پاکي و زلالی آب است. آب سمبل یا رمز و تمثیلی از دل شاعر است. و غم و افسوس و حسرت مانند سایه،

کدر و تیره است. شاعر آهی می‌کشد و در حسرت چیزی است و روح او که مانند آب است از سایه افسوس سرشار می‌شود و افسوس و حسرت بر آن سایه می‌اندازد.  
در شعر (نا) شاعر می‌گوید:

«خانه بروب، افشان گل، پیک آمد، پیک آمد، مژده ز (نا)  
آورده.

آب آمد، آب آمد، از دشت خدایان نیز، گل‌های سیا آورد.»  
(سپهری، ۱۳۷۴: ۲۳۱)

در بیت اول شاعر مژده‌ی آمدن یار را می‌دهد وقتی مژده به شاعر می‌رسد، گویا جان و روح شاعر برمیگردد. آب که پاک و زلال است برای شاعر تمثیلی یا رمز از یاری محبوب و دوست داشتنی است.  
در شعر شورم را شاعر می‌گوید:

«قرآن بالای سرم، بالش من انجیل، بستر من تورات و زیر پوشم اوستا، می‌بینم خواب:  
بودایی در نیلوفر آب...»

در رگها همه‌ای دارم، از چشمه‌ی خود آبم زن، آبم زن. و به من یک قطره گوارا کن شورم را زیبا کن» (سپهری، ۱۳۷۴: ۲۳۸) شاعر به لحظه‌ی نیایش و نزدیکی به خدا اشاره دارد و همه‌ی مقدسات را یاد می‌کند.

در حالی که دل در گرو آنها دارد در حالتی رویاگونه و شاید خواب و بیداری که حالتی از خلسه را تداعی می‌کند، به سخنانی اشاره دارد، گویا در خواب و بیدار سخن می‌گوید. شاعر در چنین لحظه‌ی خلسه آمیزی، بودا را می‌بیند که مانند نیلوفر در آب است.

روح بودا در پیچ و تاب رشد معنویت و آگاهی است؛ سپس شاعر ادامه می‌دهد در رگهای من هیاهو و شلوغی و ازدحامی است و از روحی معنوی می‌خواهد تا او را سیراب کند و می‌گوید آبم زن.  
و با این کار از او می‌خواهد تا به او انرژی معنوی بدهد و به او آگاهی معنوی ببخشد. روح معنوی، مانند چشمه‌ای پاک و زلال است در حالیکه آگاهی می‌بخشد. تصویری بودن شعر یکی از ویژگی‌های خاص آن است. ذکر نام مقدسات به نوستالژیک کردن شعر دامن می‌زند، و در آن واحد تمثیلی جاندار و تصویری و نوستالژیک را می‌سازد.

در شعر روشنی، من، گل، آب، سهراب سپهری می‌گوید: «ابری نیست بادی نیست، می‌نشینم لب حوض گردش ماهی‌ها، روشنی، من، گل، آب، پاکی خوشه‌ی زیست.» (سپهری، ۱۳۹۲: ۳۳۶)



شاعر تجربه‌ی زیست خود را در یک لحظه به تصویر می‌کشد. آنی، که همه‌ی زیبایی‌های زندگی و عوامل آرامش بخش با هم جمع شده‌اند، تا لحظه‌ای رؤیایی، از آرامش و زیبایی را به تصویر بکشند. شاعر به وسیله‌ی تمثیل به تصویر سازی پرداخته است. تصویرسازی از عناصر فعالی است که شاعر برای برقراری هرچه بیشتر ارتباط و فهم مخاطب از آن بهره برده است. حوض و آب از اجزای مهم و ضروری برای این تصویر سازی است. در این بند حوض و آب را می‌توان تمثیل از آرامش خیال و روح شاعر دانست.

آب حوض در حالی که ماهی‌ها در شنا آن می‌کنند و روشنی نور خورشید در آن است و شاعر و گلها کنار آب هستند، تمثیلی، تصویری، نوستالژیک و شاعرانه را می‌سازد.

در ادامه شاعر می‌گوید:

«من پُر از نورم و شن

و پُر از دار و درخت

پُرَم از راه، از پل، از رود، از موج،

پُرَم از سایه‌ی برگی در آب.

چه درونم تنه‌است. « (سپهری، ۱۳۹۲: ۳۳۶)

شاعر روح خود را پر از رود می‌بیند رود تمثیلی از نو شدن و پویا بودن است. قبل از آن می‌گوید من پر از راه و پر از پل هستم. راه و پل‌های ارتباطی نیز تمثیلی از حرکت و پویایی است، که تکمیل کننده‌ی رود می‌باشند. سایه‌ی برگی در آب نیز تمثیلی از آسایش و آرامش است. آب رمز یا تمثیلی از روح و جان شاعر است. در حالی که سایه‌ی برگی بر آن باشد. سایه‌ی برگ همان آسایش و آرامشی است که شاعر حس می‌کند. سرشار بودن شاعر از پل، راه، رود، موج و نشانه‌های ارتباطی، بیانگر نو شدن و ادامه و عشق به زندگی است.

سهراب سپهری در شعر لب آب می‌گوید: «دیشب لب رود شیطان زمزمه داشت.» (سپهری، ۱۳۷۴: ۲۴۳) و رود تمثیلی از وجدان و فکر شاعر است. شیطان در فکر و ذهن شاعر زمزمه‌های وسوسه آلود داشته است و سعی می‌کرده است به وجود شاعر رخنه کند و فکری را به او القا کند. در این بیت رود تمثیلی از فکر و ذهن شاعر است. در حالی که شیطان در کنار آن ایستاده است و قصد رسوخ در آن را دارد.

«ناگاه آینه‌ی رود نقش غمی بنمود:

شیطان لب آب.» (سپهری، ۱۳۷۴: ۲۴۳)

ناگهان شاعر در ذهنش غمی را به خاطر می‌آورد و شیطان هم چنان وسوسه کنان در ذهن اوست.

سپهری در شعر (تراو) می‌گوید:

«در آ که کران را بر چیدم،

خاک زمان رفتم،

آب ((نگر)) پاشیدم...» (سپهری، ۱۳۷۴: ۲۵۲)

بیا که آب جارو کردم و منتظر همه جا را آب پاشی کرده‌ام. شاعر منتظر ظهور و تجلی معشوق است؛ پس دل خود را پاک و بی آرایش کرده است و با نگاه خود گویا آب پاشی کرده است و زمان و انتظار را جارو کرده است و انتظار به سر رسیده است. در ادامه می‌گوید:

«یک هیچ تو را دیدم، و دویدم. آب تجلی تو نوشیدم، و دمیدم.» (سپهری، ۱۳۷۴: ۲۵۲)

آنگاه معشوق جلوه گر می‌شود. آب، رمز یا تمثیلی از تجلی زیبایی معشوق است، که توسط شاعر نوشیده می‌شود. شاعر برای دیدن و ادراک و فهمیدن زیبایی معشوق، آن را نوشیده است. مانند یک لیوان آب، و با تمام جان و روح خود آن را حس کرده است.

در شعر متن قدیم شب شاعر می‌گوید:

«شاید در تب حرف و بصیرت بنوشم.» (سپهری، ۱۳۷۴: ۴۳۵) شاید در میان داغی بحث و سخنان، آگاهی را مانند آب، بنوشم و آگاه شوم، که در واقع مفهوم آن این است که شاید در میان تندی و داغی بحث، آگاهی یابم. به نظر شاعر آگاهی مانند آب دانسته شده است. آب تمثیلی از آگاهی و دانایی یا همان بصیرت دانسته شده است.

شاعر می‌گوید: شاید آگاهی و اطلاع از حقیقت را مانند آب بنوشد و به درک و فهم درست و متفاوتی برسد.

در شعر اینجا همیشه تیه

می‌گوید:

«ریگزار عقیف

گوش می‌کرد،

حرف‌های اساطیری آب را می‌شنید

آب مثل نگاهی به ابعاد ادراک.

لک‌لک مثل یک اتفاق سفید

بر لب برکه بود.

حجم مرغوب خود را

در تماشای تجرید می‌شست.

چشم

وارد فرصت آب می‌شد. « (سپهری، ۱۳۹۸: ۴۵۳)

که در پایان بند از تمثیلی بهره برده است:

«چشم

وارد فرصت آب می‌شد». (سپهری، ۱۳۹۸: ۴۵۳)

شاعر می‌گوید: به گذر زمان، مانند گذر آب نگاه می‌کردم. فرصت به آب تشبیه شده است. همانگونه که فرصت به سرعت می‌گذرد و از دست می‌رود آب هم روان است و هر لحظه می‌گذرد و نمی‌ماند. زمان نیز هر لحظه مانند آب، روان است و نو می‌شود و می‌گذرد. می‌توان گفت: تمثیلی در این وجود دارد و زمان و فرصت و گذرا بودن آن به آب روان تشبیه شده است. گذر فرصت مانند گذر آب است. به نظر می‌رسد تشبیه تمثیلی وجود دارد. وجه شبه مرکب است. وجه شباهت این است: همانطور که آب می‌گذرد و نمی‌توان آن را نگه داشت، فرصت نیز می‌گذرد و نمی‌توان آن را نگه داشت. «تشبیه تمثیلی: تشبیهی است که وجه شبه مرکب جنبه‌ی حکایت یا مثل داشته باشد و این نکته تنها وجه ممیزه‌ی آن از تشبیه مرکب است.» (گلی، ۱۳۸۷: ۱۳۶) در اینجا می‌توان گفت که تمثیلی از گذرا بودن زندگی است.

#### نتیجه

تمثیل از عناصر فعالی است که شاعر برای برقراری هرچه بیشتر ارتباط و فهم مخاطب، از آن بهره برده است، که آب از اجزای مهم و ضروری آن است. در شعر سپهری تمثیل وسیله‌ای برای تصویر سازی به شمار می‌رود. تصویر سازی مخاطب را به درک متقابل می‌رساند و شعر را پویا و جاندار می‌کند. این پویایی به هر چه هنری‌تر کردن کلام شاعر می‌انجامد و تخیل و عاطفه را در شعر بارورتر می‌کند. عنصر تخیل و عاطفه جزء جدا نشدنی از شعر هستند.

در شعر سپهری گاه رود تمثیلی از نو شدن و پویا بودن است، همچنین به معنای حرکت و زنده بودن است و امید را به ذهن متبادر می‌کند. رود به کار برده شده در شعر سپهری تمثیلی از نو شدن و پویا بودن است؛ همچنین رود تمثیلی از ذهن شاعر است و تمثیلی از وجدان و فکر شاعر نیز می‌باشد. گاه آب را می‌توان تمثیل از آرامش خیال و روح شاعر دانست و گاه آب تمثیلی از آگاهی و دانایی است،

همچنین تمثیلی از گذرا بودن زمان است. همچنان که آب می‌گذرد زمان نیز به سرعت می‌گذرد و فرصتها از دست می‌روند. همانگونه که آب هر لحظه نو می‌شود و می‌زاید زندگی نیز پویا است و هر لحظه در حرکت است و متوقف نمی‌شود. این تمثیل شوق شاعر برای ادامه‌ی زندگی و تغییر و حرکت و امید را نشان می‌دهد.

در شعرش روح او مانند آب است که حتی از سایه افسوسی سرشار و پر می‌شود. حتی یک آه، او را مکدر می‌کند. در شعر سپهری آب رمز یا تمثیلی از دل و جان شاعر است و مفهوم آن این است، دل شاعر، پر از افسوس و حسرت و درد و غم‌ها شده است. دل شاعر به پاکی و زلالی آب است و غم و افسوس و حسرت مانند سایه، کدر و تیره است.

آب پاشی تمثیلی از انتظار، را نشان می‌دهد شاعر با نگاه منتظر خود راه معشوق را آب و جارو می‌کند و این تمثیلی از انتظار را نشان می‌دهد.

نوشیدن آب رمز یا تمثیلی از جلوه گر شدن معشوق است. آنگاه که شاعر به وصال معشوق رسید وصال مانند نوشیدن آب است همانگونه که نوشیدن آب عطش و نیاز شاعر را برطرف می‌کند، وصال و تجلی معشوق نیز شاعر را سیراب می‌کند. سپهری در شعر خود نوشیدن آب را به عنوان تمثیل از وصال و تجلی معشوق به کار برده است. گاه چشمه، نشانه‌ی عطش شاعر، برای آگاهی یافتن است و شاعر از روحی معنوی می‌خواهد تا او را سیراب کند و به او آگاهی بخشد. به طوری که می‌توان گفت چشمه تمثیلی از ادراک و آگاهی است. به نظر شاعر روح بودا مانند نیلوفری در آب است و در پیچ و تاب رشد معنویت و آگاهی است. شاعر از روحی معنوی می‌خواهد تا او را سیراب کند و چشمه را می‌توان تمثیلی از آگاهی و رشد معنوی دانست. گاهی شاعر در خواب و بیداری که حالتی از خلسه را تداعی می‌کند به سخنانی اشاره دارد، گویا در خواب و بیدار سخن می‌گوید

در شعر سپهری، زیبایی گمراه کننده تمثیلی از گرداب است. زیبایی، شاعر را مانند یک گرداب اسیر خود کرده است. و با خود می‌کشد و می‌برد. همچنین از دید شاعر فریب و بدبختی تمثیلی از گرداب است که مانند شکوفه در برابر شاعر می‌شکفتد و سر راه شاعر قرار می‌گیرد.

حوض و آب از اجزای مهم و ضروری برای تصویر سازی در شعر سپهری هستند. حوض و آب را می‌توان تمثیلی از آرامش خیال و روح شاعر دانست. تصویری زیبا، زنده و جاندار در ذهن مخاطب را مجسم می‌کند. شاعر در کنار گلدان‌های گل در کنار حوض نشسته است و به آرامشی وصف ناشدنی و بی نظیر رسیده است.

در این پژوهش، پژوهشگر سعی داشت تا نشان دهد که در شعر سپهری، کاربرد آب، رمز یا تمثیلی از آرامش، روح و جان، آگاهی، معنویت، آسایش، نو شدن و پویایی و حرکت، ذهن و فکر، زیبایی و گذر زمان است و در واقع برای درک آن باید مشبه، معقولی را در نظر گرفت که به مشبه به، مرکب محسوس تشبیه می‌شود. پژوهشگر با این بررسی به این نتیجه دست یافت که تمثیل‌های به کار برده شده توسط سپهری، با توجه به تعاریف یاد شده در کتب بلاغی و بیان، از این نوع اخیر، تشبیه تمثیلی و یا رمز می‌باشد. هدف شاعر از کاربرد تمثیل در شعر تصویر سازی، تخیلی و عاطفی کردن شعر و ایجاد صحنه‌ای نوستالژیک است که به وسیله‌ی آنها شعر خود را جاندار و پویا می‌کند. بدین لحاظ می‌توان گفت از این دیدگاه، شعر سپهری را به شعری متفاوت بدل می‌کند.

### فهرست منابع مأخذ

۱. حسینی کازرونی، سید احمد، (۱۳۹۴). تمثیل و ادبیات تمثیلی، فصلنامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، پیاپی ۲۳، صفحه ۱۳-۲۴.
۲. خسروانی مجد، ماندانا. (۱۳۸۷). بیان به زبان ساده. ارومیه: انتشارات شاهد دانشگاه علوم پزشکی ارومیه.
۳. دبیر سیاقی سید محمد. (۱۳۶۶). گزیده امثال و حکم، ج چهارم تهران: تیرازه.
۴. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۴۷). لغت نامه، ج ۱۵، تهران: چاپ سیروس.
۵. سپهری. سهراب. (۱۳۷۴). هشت کتاب، تهران: طهوری.
۶. سپهری. سهراب. (۱۳۹۲). هشت کتاب، تهران: گل آذین
۷. سپهری. سهراب. (۱۳۹۸). هشت کتاب، تهران: ذهن آویز.
۸. سپهری. سهراب. (۱۳۹۹). هشت کتاب، تهران: نگاه.
۹. شریفیان، مهدی. (۱۳۸۴). پژوهشنامه‌ی علوم انسانی، شماره ۴۰-۴۵ صفحه ۱۱۳-۱۳۰
۱۰. شمیسا، سیروس. (۱۳۷۰). بیان. تهران: فردوس.
۱۱. ----- (۱۳۸۶). بیان. تهران: میترا.
۱۲. علیزاده، ناصر. باقی نژاد، عباس. (۱۳۸۹) مجله‌ی بوستان ادب، دوره‌ی دوم، شماره سوم، پیاپی ۱/ ۵۹.
۱۳. کزازی، میر جلال الدین. (۱۳۶۸). زیباشناسی سخن پارسی، بیان. تهران: مرکز
۱۴. گلی، احمد. (۱۳۸۷). بلاغت فارسی. تبریز: انتشارات آیدین.

### References

1. Hosseini Kazerooni, Seyed Ahmad, (1394). Journal of Research Allegory in Persian Language and Literature, Islamic Azad University- Bushehr Branch, 23, pp. 13-24. (in Persian)
2. Khosravani Majd, Mandana. (1387). Expression in simple language. Urmia: Shahed Publications, Urmia University of Medical Sciences. (in Persian)
3. Political Secretary Seyed Mohammad. (1366). Excerpts of Proverbs and Verdicts, Volume IV of Tehran: Circulation. (in Persian)
4. Dekhoda, Ali Akbar. (1347). Dictionary, Volume 15, Tehran: Sirius Press (in Persian).
5. Sepehri, Sohrab .(1376). Eight books, Tehran: Tahoori. (in Persian)
6. ----- (1392). .Eight books, Tehran: Gol Azin. (in Persian)
7. ----- (1398). .Eight books, Tehran: mind hanging. (in Persian)
8. ----- (1399). .Eight books, Tehran: Negah. (in Persian)
9. Sharifian, Mehdi (2005) Journal of Humanities, No. 40-45, pp. 113-130. (in Persian)
10. Shamisa, Sirus. (1370.). Expression. Tehran: Ferdows. (in Persian)
11. -----# (1386). Expression. Tehran: Mitra. (in Persian)
12. Alizadeh, Nasser Baghi Nejad, Abbas. (2010) Bustan Adab Magazine, Volume 2, Number 3, Consecutive 1/59. (in Persian)
13. Kazazi, Mir Jalaluddin (1368). Aesthetics of Persian speech, expression. Central Tehran. (in Persian)
14. Goli, Ahmad (1387). Persian rhetoric. Tabriz: Aydin Publications. (in Persian)

**Original Paper** **Allegory in Sohrab Sepehri's poetry**

Saeedeh Saki Entezami<sup>\*1</sup>

**Abstract**


Hasht Ketab or Eight books is the name of Sohrab Sepehri's collection of poems, which includes the poems "The Death of Color", "Life of Dreams", "Debris of the Sun", "East of Sorrow", "Sound of Water foot", "Traveler", "Green Volume" and "We Have No Look". Allegory is one of the stylistic devices that shows itself in new poetry, including in the poetry of Sohrab Sepehri, and it is one of the factors that make the poetry dynamic and imaginary. After studying, the researcher realized the application of the meaning of water to different concepts in Sepehri's poetry, which is one of the reasons for the necessity and importance of its study. The researcher has studied the texts of Sepehri's poems with the aim of finding allegorical relations with the subject of water, springs, ponds and vortices that among his collection of poems, he found a number of poems in which the poet looked at water from an allegorical point of view. In this research, the researcher wants to know: Has allegory been used in Sohrab Sepehri's poetry? What kind of allegories are used? What was the poet's purpose in using the allegory? In reviewing the literature of this research, the researcher realized that this research is different from the other researches have been done in this area, so she paid attention to it. In this process, the researcher achieved the following results: the use of water in Sohrab Sepehri's poetry has been used in the sense of peace, soul, consciousness, spirituality, comfort, renewal and dynamism and movement, mind and thought, beauty and the passing of time. This research has been done by library method and by taking notes and in analytical-descriptive method. It has also used first-hand books and articles to understand the concept of allegory and how to recognize it in Sepehri's poetry.

**Keywords:** water, allegory, spring, Sohrab Sepehri, Whirlpool

**Received:** 24 August 2020 **Accepted:** 14 November 2021 **Available online:** 16 January 2022

1. Assistant professor in Persian language and literature, Islamic Azad University, Khorramabad branch, Iran. saeedeh.entezami@yahoo.com

**Please cite this article as:** Saki Entezami, Saeedeh., (2022) Allegory in Sohrab Sepehri's poetry. Journal of Research Allegory in Persian Language and Literature, Islamic Azad University- Bushehr Branch, 50(4): 65-79. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.2717431.1400.13.50.3.0>

	© The Author(s).	DOR: 20.1001.1.2717431.1400.13.50.3.0
No. 50 / Winter 2022	<b>Publisher:</b> Islamic Azad University Bushehr Branch	